

Renewal: The Ravages of Marriage and the Formation of a Family*

*Mohammad Arif Mohebbi**1*

Abdolhadi Salehizadeh²

Graduated level four of Al-Mustafa Al-Alamiyah Society

Email: ma.mohebbi2014@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Islamic Education, Khuzestan University of Agricultural Sciences and Natural Resources

Email: salehizadeh@asnrukh.ac.ir

Abstract

A pattern of marriage is subject to the cultural system. The arrival of modern culture in the Muslim world has made Islamic families face serious problems. Some try to reconcile modernity and the Islamic family, but the reality is that modernity has a fundamental conflict with Islam and the institution of the family. Homelessness in the Western world is the product of modern civilization and modernism has damaged the Islamic world in all areas, especially in the family. Pattern injury of marriage is one of the basic elements of these injuries. To explain this issue, first, a general picture of the family in Islam, the fundamental beliefs and personality of modern human beings is presented. Then, by referring to the requirements of modern culture, the harms of marriage have been rationalized in the form of concepts: sexual commodification, personality heterogeneity, idealization, inability to perform tasks and lowering the threshold of patience and compromise. The totality of the research shows the roots of the problems and how to build a strong Islamic family by consciously confronting modernity .

Keywords: Modernity, Islam, Marriage, Family, Identity Crisis, Incompatibility, Family Breakdown.

*. This article is from the research project "Modernity; Disorder of marriage and family formation "has been extracted with the financial support of the Research Institute of Islamic Studies of Shahed University.

** . Date of Reception: 2019/06/01 , Date of Acceptation: 2019/08/28

تجدد؛ نابسامانی ازدواج و تشکیل خانواده*

محمدعارف محبی^{۱**}

عبدالهادی صالحی زاده^۲

۱. دانش آموخته سطح چهار جامعه المصطفی العالمیه

Email: ma.mohebbi2014@gmail.com

۲. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان

Email: salehizadeh@asnrukh.ac.ir

چکیده

الگوی ازدواج تابع نظام فرهنگی است. ورود فرهنگ مدرن در جهان اسلام، خانواده‌های اسلامی را با مشکلات جدی مواجه ساخته است. برخی سعی دارند میان تجدد و خانواده اسلامی، آشتی ایجاد نمایند اما واقعیت این است که مدرنیته تعارض مبنایی با اسلام و نهاد خانواده دارد. بی‌خانمانی دنیای غرب، محصول تمدن مدرن است و نوگرایی، جهان اسلام را در تمام عرصه‌ها، بخصوص در حوزه خانواده دچار آسیب و مشکلات نموده است. آسیب‌دیدگی الگوی ازدواج از عناصر مبنایی این آسیب‌ها محسوب می‌شود. برای توضیح این مسئله؛ نخست تصویری کلی از خانواده در اسلام، باورهای بنیادین و شاکله شخصیتی انسان مدرن ارائه شده است. آنگاه با ارجاع به الزامات فرهنگ مدرن، آسیب‌های ازدواج در قالب مفاهیمی: کامجویی جنسی، ناهمگونی شخصیتی، آرمان‌زدگی، ناتوانی در انجام وظایف و کاهش آستانه صبر و سازش، منطبق‌سازی گردیده است. کلیت تحقیق نشان می‌دهد که ریشه‌های مشکلات چیست و چگونه می‌توان با مواجهه آگاهانه با تجدد، خانواده مستحکم اسلامی را تمهید نموده و ساخت بخشید.

کلیدواژه‌ها: تجدد، اسلام، ازدواج، خانواده، بحران هویت، ناسازگاری، فروپاشی خانواده.

* این مقاله از طرح پژوهشی «تجدد؛ نابسامانی ازدواج و تشکیل خانواده» با حمایت مالی پژوهشکده مطالعات اسلامی آسیب‌های دانشگاه شاهد استخراج شده است.

** تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۰۵

مقدمه

خانواده دارای هویت فرهنگی است، تشکیل، ساختار و موقعیت آن در نظام اجتماعی تابع الگویی نظام فرهنگی می‌باشد. الگویی ازدواج، متناسب با فرهنگ عمومی ساخت یافته و بر مبنای اصل نگرش به ازدواج است که کارکردها و انتظارات اجتماعی از نهاد خانواده نیز معنا می‌یابد. خانواده، نهاد بنیادین در ترتیبات نهادی جامعه محسوب گردیده و از خاستگاه خانواده است که اولین گروه‌های اجتماعی در قالب شبکه‌های خویشاوندی شکل می‌گیرند. در نگرش اسلام، خانواده نهاد محوری تلقی گردیده و بر بنیاد تعالی آن، تعالی فردی و جمعی انسان‌ها منطق سازی می‌شود. اما در فرهنگ مدرن، بر بنیاد اصل فردگرایی و لذت‌جویی، ازدواج در سطح قرارداد میان دو نفر تنزل یافته و خانواده اهمیت محوری خود را از دست داده است. ترکیب ناهمگون و متعارض فرهنگ جدید با فرهنگ اسلامی، دنیای اسلام را دچار آسیب‌های جدی در عرصه‌های مختلف بخصوص در حوزه خانواده نموده است. الگویی دینی ازدواج مختل گردیده و الگویی غربی آن با فرهنگ عمومی ناسازگار می‌باشد. در چنین بستر است که نوعی بدقاعدگی در امر ازدواج پدید آمده است، بدقاعدگی که خود منشأ آسیب‌های فراوان اجتماعی از قبیل مناسبات جنسی فرازناشویی، بالارفتن سن ازدواج، تجرد قطعی، کاهش موالید و شیوع طلاق می‌باشد.

بی‌توجهی به الزامات و پیامدهای مدرنیته بر تغییرات نگرشی و انگیزشی در جامعه اسلامی، جدی‌ترین مشکل است که در حوزه آسیب‌شناسی جوامع اسلامی مطرح است. هرچند متفکران مسلمان مدام مبنای مدرنیته را نقد و نفی نموده و می‌نمایند اما سبک زندگی مسلمین که ملموس‌ترین سطح فرهنگ و حیات اجتماعی می‌باشد متأثر از الزامات تجدد و فرهنگ مدرن می‌باشد. تناقض نظام باورها با هنجارهای رفتاری، ساحت‌های گوناگون جوامع اسلامی، از جمله نهاد خانواده را بحرانی می‌سازد. اسلام و مدرنیته دو دستگاه فکری است که هرکدام انسان و جامعه متناسب با خود را تولید می‌نماید، از ترکیب ناهمگون این دو نظام فکری متعارض است که هویت و شاکله شخصیتی انسان مسلمان دچار تعارض می‌شود. بر مبنای اصل تعارض و بحران هویتی است که مناسبات اجتماعی بحرانی شده و پدیده‌های پدید می‌آیند که نه مدرنند و نه دینی، خانواده‌های ساخت می‌یابند که نه تابع حقوق‌مداری دنیای جدید می‌باشند و نه ملتزم به اخلاق‌مداری اسلام. از چنین خاستگاه است که خانواده‌های اسلامی سنگین‌ترین فشارهای آسیبی را تجربه و تحمل می‌مانند. همانگونه که بخش‌های مهمی از این آسیب‌ها ریشه در نوع ازدواج و تشکیل خانواده دارند، مقابله با آن‌ها نیز باید از مرحله ترمیم و تصحیح در الگویی ازدواج تعقیب و ردیابی شوند. در این تحقیق سعی می‌شود که پس از بیان نگاه کلی اسلام و مدرنیته نسبت به خانواده، محورهای مهمی آسیب‌های ناشی از تجدد و نوگرایی در مرحله تشکیل خانواده منطق‌سازی گردد.

۱. اسلام و تشکیل خانواده

در منظومه معرفتی اسلام، هیچ بنایی محبوب تر از ازدواج نیست (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۲۸). با ازدواج و تشکیل خانواده است که زن و شوهر، به عنوان کارگزاران الهی در دستگاه عظیم خلقت استخدام می گردند (نحل: ۷۲). ازدواج امر مقدس و از سنت های رسول اکرم (ص) است حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۱۸). در فرهنگ اسلامی افراد متأهل از بیشترین منزلت برخوردار می باشند (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۰، ص ۲۲۱). از طریق ازدواج نصف ایمان انسان تکمیل می گردد (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۷۵۴) اگر کسی در اوایل جوانی ازدواج نماید دو سوم از دین خود را حفظ نموده است (راوندی، بی تا، ص ۱۲). ازدواج نمودن و انتخاب همسر مهم ترین اقدام است که انسان در زندگی خویش انجام می دهد (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۳۸۶). چه این که؛ انسان ها از طریق همسری که انتخاب می کنند در واقع سرنوشت خود و نسل های آینده خود را تعیین و تعریف می نمایند. همسر شریک زندگی و آگاه بر اسرار و رازهای پنهانی انسان است (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۳۸۶). همانگونه که همسر شایسته منبع خیرات و آرامش می باشد (عطاردی، سند امام، ج ۳۲، ص ۲۵۶) همسر نا شایسته، کمرشکن بوده (مجلسی، ۱۴۴۳۶، ج ۷۲، ص ۳۴۴) و زندگی انسان را تباہ و نابود می سازد (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۳۳۶-۳۳۵). به همین دلیل در نگرش اسلامی تأکید می گردد که مؤمنین با هم کفو خویش ازدواج نموده (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۱۱) و کسانی را شریک زندگی خود بسازند که از شایستگی اخلاقی و اعتقادی برخوردار باشند (نور: ۲۶؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۶۲). بر مبنای چنین نگرش است که ازدواج در محور حیات فردی و اجتماعی قرار گرفته، محتوا و ساختار خانواده متناسب با همین نگاه ساخت می یابد.

خانواده اسلامی، مبتنی بر اصل مودت، رحمت (روم: ۲۱)، و مسئولیت پذیری اعضا نسبت به همدیگر می باشد (فلسفی، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۲۱۳). مناسبات جنسی زن و شوهر در قالب طهارت و تعهدجنسی انجام می شود (نور: ۳۰-۳۱؛ رضی الدین، ۱۳۷۰، ص ۲۳۸). موقعیت شوهری و پدری، مرکز قدرت و اقتدار در ساختار خانواده به حساب می آید، (نساء: ۳۴؛ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۱۶۸) مرد وظیفه دارد که مسئولانه نهاد خانواده را مدیریت کند (مکارم شیرازی، ۱۳۶۶-۱۳۵۳، ج ۳، ص ۳۷۰). از فضای معنوی و عاطفی (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۱۲) آن مراقبت نموده و نیازمندی های اعضای خانواده را تأمین نماید (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۳۸۴). موقعیت بانویی و مادری، منبع آرامش است (روم: ۲۱؛ اعراف: ۱۸۹؛ حر عاملی، ۱۳۸۰، ص ۲۷) و از همین موقعیت، امورات داخلی منزل مدیریت می شود. فرزندان از یک سوی پذیرای بیشترین خدمات برای تربیت می باشند (طور: ۲۱؛ نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۱، ص ۱۶۲) و از سوی دیگر مطیع (فیض الاسلام، ۱۴۱۵، دعای ۲۴) و خدمت گذار (طبرسی، ۱۳۷۴)، والدین خود هستند. بر بنیاد چنین انگیزه ها و محتواسست که خانه نیز قداست یافته، محل ذکر الهی، تلاوت قرآن (احزاب: ۳۴) و تجلی گاه صفات جمال و جلال ربوبی دانسته می شود (نور: ۳۶-۳۵؛ میرخانی، شماره ۳۷ و ۳۸) کسی حق ندارد بدون اجازه وارد منزل دیگری شود (نور: ۲۸). فراتر از همه اینکه وقتی

کسی وارد خانه‌ای می‌گردد باید با گفتن "بِسْمِ اللّٰهِ وَ بِاللّٰهِ" سلام کردن بر اهل خانه وارد شود (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۳، ص ۱۲-۱۳)، در آموزه‌های دینی تأکید می‌شود که هرگاه وارد منزل خود شدید اگر کسی هم در منزل نبود سلام نمایند (نور: ۶۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۳، ص ۳). بر بنیاد چنین نگاه است که چگونگی ازدواج و ازدواج با چه کسی نیز اهمیت مبنایی می‌یابد.

۲. مدرنیته و تشکیل خانواده

در بستر لیبرالیسم فرهنگی، ازدواج تبدیل به سطحی‌ترین قرارداد اجتماعی شده است، زن و مرد ازدواج می‌نمایند که از همدیگر کام بگیرند، آنگاه که برای یکدیگر تکراری می‌شوند به راحتی از همدیگر جدا می‌شوند. به این معنا که ازدواج به یکی از گزینه‌های پیش رو، نه روش طبیعی زندگی و بهترین انتخاب؛ تبدیل شده است (بی‌نام، مجله حوراء، شماره ۲۹). پیوند ازدواج با ارزش‌های معنوی قطع گردیده و احترام اجتماعی آن نیز شکسته است. در دنیای مدرن، مسئله ازدواج و گسستن آن، فقط به دو نفر مربوط می‌شود (مهدوی، مجله حوراء، شماره ۲۶) و تغییر همسر، در سطح تعویض وسایل منزل معنا می‌گردد. فروپاشی خانواده‌های مدرن از زمانی کلید می‌خورد که جوانان با نگرش و گرایش صرفاً غریزی نسبت به ازدواج و بدون توجه به ویژگی‌های اخلاقی همدیگر، عاشق یکدیگر گردیده، پیمان زناشویی و زندگی خود را در خیابان‌ها، پارک‌ها و پارتهای آلوده به عیاشی‌ها می‌بندند. عشق‌های خیابانی و به تبع آن قول و قرارهای خیابانی از برجسته‌ترین نمادهای ازدواج بر مبنای کامجویی جنسی در دنیای معاصر می‌باشد. تبدیل شدن امر مقدس ازدواج به رفاقت مقطعی و ابزار صرف برای اشباع تمایل و عطش جنسی، منشأ اصلی آسیب دیدگی نهاد خانواده و بی‌خانمانی دنیای غرب می‌باشد.

فرهنگ مدرن بر بنیاد اصل لذت‌گرایی غریزی بنا گردیده و از آنجایی که دسترسی به لذت‌های مادی مبتنی بر داشته‌های اقتصادی می‌باشد. امکانات اقتصادی، محور زندگی در دنیای امروزی به شمار می‌رود. در چنین فضا است که ارزش‌های اجتماعی با محوریت اقتصاد باز تعریف می‌شوند. انسان‌ها با همین ملاک ارزشگذاری گردیده، موقعیت‌ها و نقش‌های اجتماعی در همین چارچوب معنا می‌یابند. در این فضا همه دنبال پول بیشتر می‌باشند. در فضایی که به دست آوردن پول، اصل است، نقش‌های جنسیتی کاملاً متفاوت می‌شوند. همه باید برای کسب درآمد تلاش کنند (مؤذن، <http://www.womenrc.ir/?action=horaw>). در بستر چنین رقابت‌های مهار گسیخته است که هویت زنانگی انکار گردیده و پدیده تشابه نقش‌ها شکل می‌گیرد. تشابه نقش‌ها، فردگرایی را تشدید نموده و در نخستین گام هویت‌های بانویی و شوهری را به نفع هویت‌های فردی زن و مرد تضعیف می‌نماید. به تبع تظاهر مرد و زن به عنوان دو فرد مستقل است که فردگرایی، دیگر موقعیت‌های خانوادگی را نیز متأثر ساخته و منافع شخصی بر منافع خانوادگی اولویت می‌یابد، قداست خانه شکسته و تبدیل به خابگاه می‌شوند. در چنین فرایند است که فضای خانواده انباشته از مطالبات طلبکارانه گردیده و به ناچار نهاد خانواده بر بنیاد مقررات سرد حقوقی انتظام می‌یابد.

۳. تجدد و آسیب‌دیدگی ازدواج

در چارچوب نظام فرهنگی با ثبات، تشکیل خانواده بر مبنای قواعد رایج صورت گرفته و با کمترین آسیب مواجه می‌باشد، اما در جوامع متجدد، نظام مرجحات دچار تعارض گردیده و هویت افراد آسیب می‌بیند. در جریان تجدد، سنت‌ها بازاندیشی شده و «خود» پروژه‌ای است که باید طراحی و از نو بازاندیشی شود و دیگر هم‌چون گذشته، سنت‌ها و عادات آن را شکل نداده (ابوالحسن تنهایی، مجله جامعه شناسی، شماره ۱۰، ص ۵۰) که همگام با تغییرات اجتماعی، دگرگون می‌شود. در جوامع سنتی، انسان‌ها به لحاظ شخصیتی مشابه هم بودند. زن و مرد، همسر ایده‌آل همدیگر به حساب می‌آمدند. اما در دنیای مدرن، ارزش‌ها و انتظارات افراد متفاوت گردیده و به تبع آن، تفاوت‌های فردی تشدید شده‌است. تشدید تفاوت‌ها، اشاره به این واقعیت دارد که پیدا کردن کسانی که نزدیک و هماهنگ با یکدیگر باشند بسیار دشوار می‌باشد (مهدوی، مجله حوراء، شماره ۲۶). در دنیای مدرن، انضباط سازمانی و تغییرات سریع فرهنگی، فرصت خوداندیشی را از انسان‌ها سلب کرده است. افراد از یک سوی قبل از اینکه بخواهند هویتش را تثبیت نمایند ارزش‌های جدیدی بر آن‌ها تحمیل می‌شود، از سوی دیگر تحت کنترل انواع گروه‌ها و سازمان‌ها قرار دارند، در این گروه‌ها فرد چیزی نیست جز عنصری که به خودی خود هیچ اهمیتی ندارد. اگر بخواهد خود را حفظ کند باید در همه عرصه‌ها از خود دفاع کند، باید ضربه بزند و ضربه بخورد و از انضباطی آهنین اطاعت نماید (بن حبیب، مجله ارغنون، شماره ۱۱ و ۱۲). با مخدوش شدن هویت، الگویی دینی ازدواج نیز مختل می‌شود.

اسلام تأکید جدی بر کفویت در ازدواج دارد (فخرالدین رازی، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۱۱). کفویت چیزی نیست جز تناسب هویتی و شخصیتی زن و شوهر. اسلام معیارهای اصلی کفویت را در حوزه ایمان و اخلاق تعریف می‌نماید (نور: ۲۶؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۶۲؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۳۲؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۳۹۴). کفویت اعتقادی و اخلاقی سنگ بنای خانواده مستحکم می‌باشد. ازدواج در دنیای مدرن بر مبنای اصل لذت و کامجویی صورت گرفته، خانواده متزلزل ولی منطبق با نظام ارزشی افراد را ساخت می‌بخشد. اما ترکیب ناهمگن و متعارض ارزش‌های فرهنگ دینی با فرهنگ مدرن، تشکیل خانواده را در جوامع متجدد با مشکلات جدی مواجه می‌سازد، مشکلاتی که نه از سنخ آسیب‌های خانوادگی دنیای مدرن است و نه همگون با دشواری‌های خانواده‌های جوامع سنتی، دشواری‌های هستند که از متن انتظارات متعارض افراد برخاسته، مناسبات زناشویی را مختل و در مواردی بحرانی می‌سازند. به این صورت که هرکدامی از زوجین بر مبنای ارزش‌های اسلامی یک دسته انتظارات را از همدیگر دارند و متأثر از فرهنگ جدید دسته دیگری از مطالبات را تعقیب می‌نمایند. تعارض میان این دو طیفی از انتظارات، زندگی زناشویی را از همان ابتدای شکل‌گیری دچار مشکلات جدی می‌نماید که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: ازدواج و کامجویی، ناهمگونی شخصیتی، ناتوانی در انجام دادن وظایف و کاهش آستانه صبر و سازش.

۳-۱. ازدواج و کامجویی جنسی

ازدواج در فرهنگ اسلام؛ ارزشمندترین نهاد اجتماعی و تنها بستر تولید و بازتولید جامعه توحیدی می‌باشد (نحل: ۷۲). انتخاب همسر از حیاتی‌ترین انتخاب‌های انسان است. چرا که حالات مزاجی، عقلی و جسمی پدر و مادر در فرزندانشان مؤثر می‌باشد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۹، ص ۲۱۹). در بستر فرهنگ جدید اهمیت خانواده شکسته، فلسفه ازدواج در سطح اشباع تمایلات جنسی و به مثابه پیمان و قرارداد میان فردی تنزل یافته است. از چنین خاستگاه است که معیارهای همسرگزینی دینی تغییر نموده و ازدواج‌ها عمدتاً بر مبنای تمایلات غریزی انجام می‌شود. مشکلات خانواده‌های مسلمان دقیقاً از زمانی کلید می‌خورد که جوانان، بدون درک درست از فلسفه ازدواج و بدون توجه به اصالت خانوادگی و ویژگی‌های اخلاقی همدیگر، دلباخته و عاشق یکدیگر گردیده، عهد و پیمان زندگی خویش را در خیابان‌ها، پارک‌ها و پارتهای آلوده به عیاشی جنسی می‌بندند. عشق‌های خیابانی و به تبع آن قول و قرارهای خیابانی از برجسته‌ترین نمادهای ازدواج بر مبنای کامجویی جنسی در جوامع اسلامی متجدد معاصر می‌باشد. کامجویی جنسی به همان سرعت که داغ و گداخته می‌شود با سرعت بیشتر سرد گردیده و زوجین از همدیگر سیر و خسته می‌شوند. با سرد شدن روابط جنسی، هرکدام در صدد تجربه‌ای رابطه جدید جنسی بوده و به راحتی از همدیگر جدا می‌شوند.

۳-۲. ازدواج و ناهمگونی شخصیتی

ناسازگاری شخصیتی از مهم‌ترین عوامل آسیب‌های خانوادگی می‌باشد. دختر و پسر جوانی که ازدواج می‌نمایند گذشته از تفاوت‌های جنسی و فضاهای متفاوت خانوادگی که تجربه نموده‌اند، به میزان متفاوتی متأثر از فضای عمومی بوده و به‌طور طبیعی دارای آرزوها و خصلت‌های نسبتاً متفاوتی می‌باشند. در بستر تجدد، هویت افراد متزلزل شکل می‌گیرد، انسان‌ها متأثر از رسانه‌ها، تحت تأثیر جریان‌ها قرار گرفته و با هر موجی به این سو آن سو متمایل می‌شوند (خوشنویس، ۱۳۸۹، ص ۱۶). تزلزل خانواده‌ها عمدتاً ریشه در ناهمگونی شخصیتی زن و شوهر دارد، هرکدام از آن‌ها متناسب با شاکله شخصیتی خویش عمل می‌نمایند: «کلّ يعمل علی شاکلته» (اسراء: ۸۴)؛ دختر و پسر جوان برای اینکه ازدواج موفق را تجربه نمایند قبل از همه باید خود را بشناسند یعنی بدانند که او کیست و چه می‌خواهد، بعد از شناخت خود، وظیفه دارد که با هویت و شخصیت همسر آینده خویش آشنا گردد (ریحانی، ۱۳۸۹، ص ۲۳)، همانگونه که آشنایی با خود یا خودشناسی ریشه در تربیت خانوادگی داشته و مستلزم نقش جدی والدین در امر تربیت فرزندان می‌باشد، شناختن ویژگی‌های شخصیتی فرد دیگر به عنوان همسر مناسب نیز نیازمند همکاری جدی والدین و افراد با تجربه می‌باشد.

در فرهنگ دینی، پدر و مادر وظیفه دارند که با درایت و دور اندیشی فرزندان خویش را در انتخاب همسر مناسب و شایسته یاری نمایند (نساء: ۲۵؛ صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۳۹۳) و به جوانان سفارش شده است که با توجه به ملاک‌ها و ارزش‌های دینی، شریک زندگی خود را انتخاب کنند (نور: ۲۶؛ نیشابوری، بی‌تا، ج ۲،

ص ۳۷۵). والدین به اقتضای اندوخته‌های تجربی که دارند قبل از همه در صدد احراز اصالت خانوادگی و صفات اخلاقی عروس یا داماد خود می‌باشند اما فرزندان به حکم طبیعت جوانی که دارند غالباً در پی ویژگی‌ها و جذابیت‌های ظاهری همسر آینده خود هستند. از تلفیق و جمع بندی نهایی این دو نوع نگاه است که در نهایت دو جوان با ویژگی‌های شخصیتی نسبتاً مشابه، باهم ازدواج نموده و بنیان خانواده‌ی خویش را بر پایه‌های مستحکم تفاهم اخلاقی استوار می‌نمایند. ناسازگاری در محیط خانواده پدیده‌ی آنی نیست، بلکه نماد روحیه‌ای است که به‌طور معمول طی گذشت زمانی شکل می‌گیرد (سجادی، مجله پژوهش‌های قرآنی، شماره ۳۷، ص ۱۶۷). براین اساس انتخاب صحیح، اولین قدم در جلوگیری از تزلزل خانوادگی است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۹، ص ۳۳). بسیاری از محققین علل ناکامی در ازدواج را ناهمگونی شخصیتی می‌دانند و برای پایدار ماندن ازدواج‌ها دخالت خانواده دو طرف را پیشنهاد می‌کنند. درصد طلاق در میان کسانی که بر مبنای خواست والدین یا گروه دیگری، ازدواج می‌کنند خیلی پایین‌تر از درصد طلاق در میان کسانی است که به خاطر عشق ازدواج می‌نمایند (سجادی، مجله پژوهش‌های قرآنی، شماره ۳۷، ص ۱۶۸). براساس برخی از آمارهای موجود، در ایران ۹۰ درصد ازدواج‌های احساسی و عاشقانه به طلاق ختم می‌شود (بی‌نام، مجله حوراء، شماره ۱۶). ازدواج احساسی متأثر از تجدد است که به دلیل اهمیت آن، اجمالاً به برخی از عوامل آن اشاره می‌شود.

فردگرایی متأثر از فرهنگ مدرن، شرایطی را به وجود آورده است که در سیطره آن، حضور خانواده‌ها در امر ازدواج را کم‌رنگ نموده و انتخاب آگاهانه خود جوانان را با مشکل مواجه ساخته است. به این صورت که غیبت مظلومانه والدین و میداننداری مغرورانه جوانان، باعث گردیده است که ازدواج از مدار عقلانیت و انتخاب منطقی خارج شده و تبدیل به احساسی‌ترین پدیده زندگی شود. متأسفانه در رسانه‌ها نیز الگوی ازدواج با محوریت جوانان تبلیغ و ترویج می‌شود. هاجرالسادات قاسمی، در گزارشی می‌نویسد: الگوی تحسین‌شده ازدواج در تلویزیون آن است که دختر و پسر خارج از فضای خواستگاری‌های سنتی همدیگر را ببینند و پس از حصول شناخت ازدواج کنند. در مقابل، ازدواج سنتی تحقیر گردیده، دختر و پسر که در جلسه خواستگاری سنتی همدیگر را می‌بینند معمولاً تمایلی به این ازدواج اجباری نداشته و گزینه دیگری را مد نظر دارند. در نهایت، فیلم به نفع فرزندان ختم گردیده، پدر و مادر می‌فهمند که انتخاب فرزندشان درست بوده و باید دست از افکار پوسیده و قدیمی خود بردارند (قاسمی، مجله حوراء، شماره ۳۲). چنین فضاسازی‌ها، احساسات را بیشتر تحریک نموده و الگویی ازدواج دینی را غیر کاربردی و دخالت والدین در امر خواستگاری را مغایر با انتخاب آزاد دختر و پسر نشان می‌دهد.

یکی دیگر از عواملی ازدواج‌های ناهمگون و احساسی، برخورد و تصادم زمینه‌های فرهنگی می‌باشد. تصادم زمینه‌ها، ناظر به بستر تسهیل‌کننده ازدواج احساسی بوده و اشاره به این واقعیت دارد که با ورود سیل جوانان به دانشگاه‌ها و گردآمدن افراد مختلف از فرهنگ‌های متفاوت در یک مکان، زمینه ازدواج‌های احساسی و غیر هم‌کفو را تمهید می‌کند. ازدواج‌های که بر بنیاد ناهمگونی شخصیتی شکل‌گیرد آسیب پذیرتر بوده و ناسازگاری در میان

زوجین به سبب توقعات و نگرش‌های مختلف‌شان زیاد خواهد بود (بی‌نام، مجله حوراء، شماره ۱۶). ممکن است کسانی تصور نمایند که ارتباط دختر و پسر قبل از ازدواج، بخصوص در فضای دانشگاهی، منجر به شناخت درست آن‌ها از همدیگر گردیده و در صورت ازدواج، خانواده مناسب و مستحکمی را شکل خواهند داد. اما توجه به فضای عاطفی-جنسی حاکم بر روابط آن‌ها، حاکی از این است که اساساً ارتباط عاطفی و عاشقانه دختر و پسر جوان عمدتاً بر بنیاد تأمل دقیق و دور اندیشی عقلانی استوار نبوده بلکه در گرمای آتشین تمایلات شهوانی گرم می‌باشد. در چنین فضای عاطفی، غالباً عقل خواب است و شهوت بیدار، دیده‌ها کور است و قلب‌ها بیمار. درست به همین دلیل است که بسیاری از زوج‌های جوان قبل از اینکه لذت و شرمینی ماه عسل را تجربه نمایند با دنیای متفاوت و ناسازگار همدیگر مواجه می‌شوند و تازه متوجه شخصیت واقعی همسر خویش شده و دچار احساس ندامت می‌گردند.

فراتر از همه این‌که باید در حوزه دانشجویی به این حقیقت توجه نمود که در دانشگاه‌ها تا چه میزان به افزایش معلومات معطوف به زندگی خانوادگی توجه می‌شود. ریشه‌های ریاضی و تجربی که اساساً ربطی به مسایل خانوادگی نداشته و هیچگونه بصیرتی در این ارتباط به دانشجویان نمی‌دهد و ریشه‌های مربوط به علوم انسانی بخصوص جامعه‌شناسی، روانشناسی و علوم تربیتی هرچند به مسایل خانواده مربوط می‌گردند اما از خانواده تصویر سکولار، دموکراتیک و فرد محور ارائه داده و نه تنها در راستای تحکیم خانواده عمل نمی‌کند که خود منشأ جهالت و بی‌بصیرتی دانشجویان به امور خانواده می‌شود. امام صادق (ع) می‌فرماید: کسی که بدون بصیرت عمل نماید مانند رونده‌ای است که هر چه سرعتش بیشتر گردد از مقصد دورتر می‌شود (احسائی، ۱۴۰۵، ج ۴، ص ۷۳). ازدواج و تمهید خانواده مستحکم نیز نوعی کنش است که عمل‌کننده آن، باید بصیرت و دانش لازم را داشته باشد، وگرنه این کنش نه تنها به انجام نمی‌رسد، بلکه از مقصود و غایت تأسیس خانواده دور گردیده (منصورنژاد، فصلنامه بانوان شیعه، شماره ۳) و خانواده بی‌بنیاد را ساخت می‌بخشد.

۳-۳. ازدواج و آرمان زدگی

آرمان‌ها مبنای زندگی و منبع انگیزش برای حرکت تکاملی انسان‌ها می‌باشد. به همان میزان که آرمان مردگی و بی‌آرمانی زندگی را پوچ، بی‌معنا و فلج می‌نماید، بدآرمانی زندگی را در مدار غیر اخلاقی و غیر انسانی ساماندهی می‌کند. نکته اساسی که در این جا مورد توجه می‌باشد مسئله آرمان‌زدگی و فاصله‌های غیر قابل انطباق آرمان‌ها با واقعیت‌های عینی زندگی است که می‌توان از آن به زندگی توهمی تعبیر نمود. منطق زندگی ایجاب می‌نماید که انسان‌ها متناسب با امکانات و ظرفیت‌های که در اختیار دارند آرمان‌ها و آرزوهای خود را تعیین و تعریف نمایند و برای دستیابی به آن‌ها، برنامه ریزی نموده، تلاش و عمل کنند. اما توهم در زندگی یا زندگی توهمی به این معنا می‌باشد که افراد آرزوهای دست نیافتنی برای خود تصویر می‌کنند. چنین آرزوهای اگر ناظر به تلاش‌های خود فرد تعریف شود، دست‌نیافتن به آن‌ها موجب بی‌زاری فرد از خودش می‌شود، اما اگر معطوف به تلاش‌های دیگری تعیین

شود موجب تنفر و بیزاری از دیگری می‌گردد. امروزه یکی از توهمات که زندگی خانواده‌های جوان را تهدید می‌کند آرزوهای افسانه‌ای و انتظارات غیر منطقی زن و شوهر از همدیگر می‌باشد.

جوانان امروز معمولاً با این ذهنیت ازدواج می‌کنند که همسرش در او ذوب شود (نوبی نژاد، مجله حوراء، شماره ۳). و گمان می‌کنند که ازدواج می‌تواند منشأ هر تحول مثبتی در زندگی او باشد (بی‌نام، مجله حوراء، شماره ۱۹). چنین توهمی به این دلیل ویرانگر و خطرناک است که جوانان انتظار دارند همسرش «او» را خوشبخت کند در اینجا هدف از ازدواج خوشبختی است؛ یعنی هرکدام از دختر و پسر انتظار دارد که «او»، «من» را خوشبخت نماید. در این نگرش خوشبختی، به جای اینکه معطوف به امکانات و تلاش خود فرد تعریف گردد در گرو امکانات و تلاش‌های «او» معنا می‌یابد (بی‌نام، مجله حوراء، شماره ۲۹). از چنین خاستگاه است که انتظارات و توقعات غیر منطقی در خانواده‌های جوان شکل گرفته و ناسازگاری‌ها و منازعات به وجود می‌آید.

در نگاه رمانتیک نسبت به ازدواج، دختر و پسر شریک زندگی خود را در آسمان‌ها جست‌وجو می‌کنند و به دنبال گزینه‌های ایده‌آلی هستند که او را به آرزوهای خیالی‌اش برساند؛ اما الزامات زندگی مشترک آن‌ها را با واقعیت‌های غیرقابل انتظاری مواجه می‌سازد که آن‌ها برای مواجهه‌ی سازنده و منطقی با چنین شرایطی، پرورش نیافته‌اند. نگرانی جدیدی که در ارتباط به خانواده‌های جوان ایرانی وجود دارد این است که به گفته «مک دونالد» فاصله‌ی میان واقعیت‌های زندگی و انتظارات از زندگی در هیچ کشوری به اندازه‌ی ایران زیاد نیست. از آنجایی که از دهه‌ی ۱۳۷۰ موضوع عشق رمانتیک، در رسانه‌های عمومی مورد توجه قرار گرفت انتظار می‌رود که آثار فرهنگی آن بر خانواده‌های آینده به شکل افزایش تمایل به طلاق، بیشتر شود (بی‌نام، مجله حوراء، شماره ۲۶). از آن زمان تا کنون فاصله آرزوها با واقعیت‌های سیال اجتماعی و دشواری‌های زندگی بیشتر گردیده و همین امر تأثیر مستقیم بر افزایش سن ازدواج، عدم تمایل به باروری و افزایش فاصله میان مطالبات زوجین از همدیگر گذاشته است، ازدواج و مناسبات خانوادگی را با دشواری‌های بیشتر مواجه ساخته و خانواده‌های جوان را بیشتر در تنگناها گرفتار نموده است.

۳-۴. ازدواج و ناتوانی در انجام و وظایف

تشکیل خانواده زیباترین تعهد و سنگین‌ترین مسئولیتی است که انسان در زندگی خود انتخاب می‌کند. استحکام و کارآیی خانواده ارتباط مستقیم به میزان فهم زوجین از تکالیف خویش در قبال همدیگر، اعضای خانواده و مهم‌تر از همه در قبال خود خانواده دارد. فراتر از درک وظایف، زن و شوهر باید مهارت زندگی مشترک و توان ایفای نقش‌های معطوف به موقعیت‌های خود را داشته باشند. بر این اساس شرط موفقیت در زندگی زناشویی بلوغ اجتماعی زن و شوهر است. در جوامع سنتی فاصله جدی میان بلوغ اجتماعی و بلوغ جنسی دختر و پسر وجود نداشت اما در جوامع امروزی که از یک سوی سن بلوغ جنسی جوانان کاهش یافته و از سوی دیگر بلوغ اجتماعی آن‌ها به تأخیر افتاده است، خانواده‌های جوان با مشکلات جدی‌تر مواجه می‌باشند. مشکلاتی که ممکن است برخی از آن‌ها در نگاه اولیه مشکل محسوب نشود اما وقتی کوچک‌ترین مشکل به درستی مدیریت و تدبیر نگردد به سرعت

تبدیل به معضل گردیده و نه تنها زندگی زناشویی را تلخ می‌سازد که بقا و دوام آن را با خطر مواجه می‌سازد.

مدیریت نهاد خانواده ممکن است در ظاهر ساده تلقی گردد اما خانواده به عنوان اصلی‌ترین مأوا برای آسایش، آرامش و پرورش آدمی، دارای ظرافت‌ها و پیچیدگی‌های خاص می‌باشد. همانگونه که جوانان برای مدیریت زندگی خود نیاز به آموزش و کسب مهارت‌های شغلی دارند، شدیدتر از آن محتاج کسب مهارت‌های لازم برای زندگی خانوادگی بخصوص همدلی با دیگر اعضای خانواده می‌باشند. مهارت یعنی بکار بستن اصول و راهبردهای نظری آموخته شده در حل مسائل و موقعیت‌های عینی، همدلی عبارت است: از درک نظرها و شناخت احساسات دیگران و هم‌فهمی با آنان (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۹، ص ۲۱۶). مهارت‌ها در واقع پاسخی به این دو پرسش است که چگونه از بروز اختلافات پیش‌گیری کنیم و چگونه با اختلافات مواجه شویم (بی‌نام، مجله حوراء، شماره ۲۶). بنا براین آمادگی دختر و پسر برای اداره زندگی مشترک قبل از هر چیز مبتنی بر تربیت جنسی آنان می‌باشد. تربیت جنسی اشاره به این واقعیت دارد که دختر و پسر در فرایند جامعه‌پذیری خود باید به تفاوت‌های جنسی و نقش‌های متفاوت جنسیتی خود و همسر خویش آگاه گردیده و با تمرین و ممارست این نقش‌ها، مهارت‌های لازم را برای اداره زندگی مشترک پیدا نمایند.

شناخت دقیق تفاوت‌های جنسی، قبول و ظایف و مسئولیت‌ها توسط هریک از زوجین و تقسیم کار درست در خانواده، نقش تعیین‌کننده در استحکام خانواده دارد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۹، ص ۳۴). فراتر از آن، زن و شوهر باید توجه داشته باشند که با تشکیل خانواده، متعهد به تربیت فرزندان صالح نیز شده‌اند و برای تحقق این هدف، کافی نیست که زوجین تنها همدیگر را دوست داشته باشند بلکه مجبورند زندگی خانوادگی را هم دوست داشته باشند و نسبت به خود خانواده نیز متعهد باشند (نوابی نژاد، مجله حوراء، شماره ۳). در نگرش اسلامی، ایفای نقش‌ها و وظایف جنسیتی زن و شوهر جهاد در راه خدا دانسته می‌شود (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵، ص ۲۳؛ بروجردی، ۱۴۲۹، ج ۲۲، ص ۸۴). دختر و پسر جوان وقتی با درک این مسئولیت‌ها و توانایی برای انجام دادن این وظایف، اقدام به ازدواج نمایند بدون تردید زندگی موفق‌تری را تجربه خواهند کرد و عدم توفیق بسیاری از خانواده‌ها در امر مناسبات خانوادگی ریشه در ناتوانی اعضای خانواده در درک و التزام آن‌ها به وظایفشان دارد که این نیز ناشی از تجدد می‌باشد.

در جوامع سنتی، دختران و پسران به خوبی مهارت‌های زندگی را در خانواده آموزش دیده و بگونه‌ای تربیت می‌شدند که دختر ۱۵ ساله تا حد نسبتاً مناسبی با مهارت‌های زناشویی و ارتباطی آشنا می‌شدند. اما در جامعه کنونی روش‌های سنتی، رنگ باخته است بدون آن که جایگزین بهتری یافته باشد (بی‌نام، مجله حوراء، شماره ۲۶). یکی از کارشناسان امور خانواده می‌گوید: در گذشته دختر کم سن و سالی که وارد زندگی زناشویی می‌شد، در یک اتاق با پدر شوهر و مادر شوهر خود زندگی می‌کرد و بعد بچه‌دار می‌شد و سپس به تدریج مستقل می‌گردید. ولی امروزه اگر چه زوجین در سنین بالاتر ازدواج می‌کنند، اما بی‌تجربه و بسیار پرتوقع‌اند. نگاه دختران به زندگی و روابط

زنشویی کاملاً تغییر کرده است. بسیاری از دختران شرط می‌کنند که بعد از ازدواج، اصلاً آشپزی نکنند. این دیدگاه‌ها باعث ایجاد بافت کاملاً غیرطبیعی در روابط زوجین شده است؛ به طوری که از روز اول زندگی، زمینه‌های درگیری و ایجاد مشکل و تعارض فراهم است. علاوه بر این، در گذشته، بزرگ‌ترها خیلی سریع‌تر وارد جریان مشکلات زندگی فرزندان‌شان می‌شدند و مداخله می‌کردند ولی امروزه به این صورت نیست. من چندین زوج را می‌شناسم که امسال طلاق گرفتند ولی والدینشان بعداً متوجه شدند. در بسیاری از زندگی‌ها، اختلافات ساده‌ای وجود دارد اما خیلی از زوجین قادر به حل آن نیستند و درصدی از افراد حاضرند به جای حل مسئله، صورت مسئله را پاک کنند امروز مراجعه‌کننده‌ای داشتم که از من می‌پرسید به جای حل مشکلات زندگی‌ام بهتر نیست طلاق بگیرم؟ (موسوی، مجله حوراء، شماره ۲۹)

۳-۵. ازدواج و کاهش آستانه‌ی صبر و سازش

ناتوانی در انجام تکالیف و مسئولیت‌ها، زمانی فضای خانواده را کاملاً بحرانی می‌سازد که افزایش توقعات و کاهش آستانه صبر و تحمل نیز بر آن افزوده شود. خانواده‌های جوان در دنیای معاصر چنین مشکلاتی را یکجا و همزمان تجربه می‌نمایند. در دنیای گذشته سبک زندگی بگونه‌ای بود که قناعت، صبر و مدارا، تشویق و ترویج گردیده و توقعات افراد در سطح ارزش‌های نسبتاً ثابت اجتماعی تعیین و تعریف می‌شد. زنان تحت الزامات شدید فرهنگی معتقد بودند که باید با «کفن» خانه شوهرش را ترک نمایند. چنین گزاره‌های فرهنگی نه تنها نشان‌دهنده بالاترین میزان کم توقعی زنان سنتی به حساب می‌آید که اساساً می‌توان سطح تحمل و صبر آنان را نیز استنباط نمود. اما سبک زندگی در دنیای متجدد از یک سوی توقعات و انتظارات زوجین از همدیگر را بالا برده و از سوی دیگر آستانه صبر و سازش‌پذیری آن‌ها با مشکلات را به شدت کاهش داده است. فراتر از این دو، طایفه و جامعه نیز کمتر از گذشته، زوجین را به تحمل مشکلات فرا می‌خوانند (بی‌نام، مجله حوراء، شماره ۲۶). در بستر چنین نظام فرهنگی و منطق زندگی است که تحقق آموزه‌های دینی معطوف به تعدیل توقعات، گذشت و مدارا، صبر و بردباری، ایثار و از خودگذری و... نیز با موانع جدی مواجه گردیده و فروپاشی خانواده سرعت بیشتر از پیش می‌گیرد.

نتیجه‌گیری

خانواده، نهاد بنیادین در ترتیبات نهادی جامعه می‌باشد. تشکیل، ساختار و موقعیت آن تابع الگویی نظام فرهنگی است. الگویی ازدواج، متناسب با فرهنگ عمومی ساخته یافته و بر مبنای نوع نگرش نسبت به ازدواج است که کارکردهای خانواده نیز معنا می‌یابد. در نگرش اسلام خانواده نهاد محوری است که بر بنیاد تعالی آن، تعالی افراد و جامعه تعقیب می‌شود. اما در فرهنگ مدرن، ازدواج بر بنیاد اصل فردگرایی و کامجویی، در سطح قرارداد میان دو نفر تنزل می‌یابد. تجدید وضعیت حاکمی از ترکیب ناهمگون نظام‌های فرهنگی است. تعارض در نظام فرهنگی هویت انسانی را مخدوش نموده و افراد را دچار تعارضات شخصیتی می‌سازد. بی‌توجهی به تأثیرات منفی تجدید بر تغییرات

نگرشی و انگیزشی جوانان، منشأ جدی‌ترین مشکلات در جوامع متجدد، بخصوص در حوزه خانواده می‌باشد. تغییر در الگویی ازدواج و چگونگی تشکیل خانواده، عنصر بنیادین آسیب‌شناسی خانواده‌های مسلمان محسوب می‌شود. تجدد با مخدوش نمودن هویت افراد و الگویی ازدواج، خانواده‌های جوان را از همان آغاز شکل‌گیری با مشکلاتی مواجه می‌سازد که اصلی‌ترین و مهم‌ترین آن‌ها که منشأ مشکلات دیگر نیز می‌شوند عبارتند از: کامجویی جنسی، ناهمگونی شخصیتی، ناتوانی در انجام دادن وظایف و کاهش آستانه صبر و سازش.

ازدواج در اسلام دارای قداست است و انتخاب همسر از حیاتی‌ترین انتخاب‌های انسانی محسوب می‌شود. تجدد، اولاً؛ فلسفه ازدواج را در سطح اشباع تمایلات جنسی تنزل می‌دهد و مشکلات خانواده‌های مسلمان از زمانی کلید می‌خورد که جوانان بدون توجه به فلسفه ازدواج، شریک زندگی خویش را در محیط‌های ناسالم می‌یابند. دومین پیامد تجدد؛ بی‌توجهی به کفویت است؛ در جوامع متجدد گذشته از تفاوت‌های جنسی و تربیت خانوادگی، افراد متأثر از فضای فرهنگی دارای شخصیت پیچیده می‌شوند که به دشواری قابل شناخت می‌باشد. این دشواری زمانی تشدید می‌شود که جوانان به شناخت خود اکتفا نموده و والدین از مدار تصمیم‌گیری در امر انتخاب به حاشیه رانده می‌شوند و همین امر موجب ازدواج نامناسب گردیده و ناهمگونی شخصیتی زوجین فرایند زندگی مشترک زناشویی آن‌ها را دچار مشکل می‌سازد. سومین پیامد تجدد؛ آرمان‌زدگی و توقعات خیالی زوجین از همدیگر است که پس از تجربه زندگی مشترک به سرعت سرخورده و دل‌سرد از یکدیگر می‌شوند. چهارمین پیامد تجدد؛ اختلال در تربیت دختران و پسران برای زندگی مشترک است و زوج‌های جوان عمدتاً فاقد توانایی در انجام دادن وظایف محوله خود می‌باشند. پنجمین پیامد تجدد؛ کاهش آستانه صبر و سازش است. بر بنیاد مجموعه این پیامدهاست که خانواده‌های معاصر در کشورهای اسلامی دچار آسیب‌ها و مشکلات جدی می‌شوند.

منابع

- قرآن کریم.
- ابوالحسن تنهایی، حسین و عالیه شکر بیگی، (۱۳۸۷)، «جهانی شدن، تجدد گرایی و خانواده در ایران (گذاریا فروپاشی)»، مجله جامعه‌شناسی، فروردین، شماره ۱۰.
- <http://www.noormags.com/view/fa/ArticlePage/292428>
- احسائی، ابن ابی جمهور، محمد بن علی، *عوالی اللئالی العزیزیه*، ۴ جلد، دار سید الشهداء للنشر، قم - ایران، اول، ۱۴۰۵ ه.ق.
- اصفهانی، مجلسی دوم، محمد باقر بن محمد تقی، *بحار الأنوار*، ۳۳ جلد، مؤسسه الطبع و النشر، بیروت - لبنان، اول، ۱۴۱۰ ه.ق.
- بروجردی، آقا حسین طباطبایی، (۱۴۲۹ق)، *جامع أحادیث الشیعه*، ۳۱ جلد، تهران: انتشارات فرهنگ سبز.
- بن حبیب، شیلا، چاوشیان، حسن، «مدرنیته و تناقض‌های نظریه انتقادی»، مجله ارغنون « پاییز و زمستان

- <http://www.noormags.com/view/Magazine/ViewPages.aspx?ArticleId=10217>
بی‌نام، «اندیشه: مدرنیسم، خانواده و طلاق»، مجله حوراء، شماره ۱۶، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مطالعات و تحقیقات زنان؛ <http://www.womenrc.ir/?action=horaw>
- بی‌نام، «نگاه ویژه: واقعیت‌های طلاق، مسئولیت‌های ما»، مجله حوراء، شماره ۲۶، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مطالعات و تحقیقات زنان؛ <http://www.womenrc.ir/?action=horaw>
- بی‌نام، «نگاه ویژه: آسیب‌شناسی روابط زوجین»، مجله حوراء، شماره ۲۹، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مطالعات و تحقیقات زنان. <http://www.womenrc.ir/?action=horaw>
- بی‌نام، «نگاه ویژه: خانواده ایرانی؛ تأملات و پرسش‌ها»، مجله حوراء، شماره ۱۹. پایگاه اطلاع رسانی دفتر مطالعات و تحقیقات زنان. <http://www.womenrc.ir/?action=horaw>
- پاینده، ابوالقاسم، (۱۳۸۲)، *نهج الفصاحه مجموعه کلمات قصار حضرت رسول (ص)*، تهران: دنیای دانش.
- جمعی از نویسندگان، (۱۳۸۹)، *راهبردهای تحکیم خانواده*، (مجموعه مقالات)، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک.
- حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، *تفصیل وسائل الشیعه*، قم: مؤسسه آل‌البیت (علیهم‌السلام).
- حر عاملی، محمد، (۱۳۸۰)، *الجواهر السنیه - کلیات حدیث قدسی*، ترجمه زین العابدین کاظمی خلخالی، تهران: انتشارات دهقان.
- خوشنویس، ناهید، *رسانه و سبک زندگی*، مجله روابط عمومی، مهر ۱۳۸۹، شماره ۷۳.
- <http://www.noormags.com/view/fa/ArticlePage/609919>
دکتر مؤذن، «گفتگو: باز مهندسی خانواده اسلامی»، مجله حوراء، شماره ۳۱، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، <http://www.womenrc.ir/?action=horaw>
- راوندی، سید فضل‌الله، (بی‌تا)، *النوادر للراوندی*، قم، دارالکتاب.
- رضی‌الدین، حسن، (۱۳۷۰)، *مکارم الأخلاق*، قم، رضی.
- ریحانی، حمید، (تابستان ۱۳۸۹)، *شناخت و انتخاب در خواستگاری*، تهران: انتشارات بعثت.
- سجادی، سیدابراهیم، «همگرایی و فروپاشی نهاد خانواده در قرآن»، مجله پژوهش‌های قرآنی، بهار و تابستان ۱۳۸۳، شماره ۳۷؛
- <http://www.noormags.com/view/Magazine/ViewPages.aspx?ArticleId=7720>
صدوق، محمد بن علی بن بابویه، (۱۴۱۳ق)، *من لا یحضره الفقیه*، ۴ جلد، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۴)، *مشکاة الانوار*، ترجمه عزیز الله عطاردی، تهران: عطارد.

- طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، (۱۴۰۷ق)، *تهذیب الأحکام*، ۱۰ جلد، تهران: دار الکتب الإسلامية.
- عطاردی، عزیز الله، (۱۴۰۶ق)، *مسند الإمام الرضا(ع)*، مشهد: آستان قدس.
- فخرالدین رازی، (۱۴۲۰ق)، *مفاتیح الغیب*، چ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فلسفی، محمدتقی، (۱۳۶۸)، *الحديث*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- فیض الاسلام، (۱۴۱۵ق)، *صحیفه کامله سجادیه*، قم: انتشارات اسلامی.
- قاسمی، هاجرالسادات، *گزارش: جنسیت، خانواده و سیمای جمهوری اسلامی*، مجله حوراء، شماره ۳۲، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، <http://www.womenrc.ir/?action=horaw>
- کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، *الکافی (ط - الإسلامية)*، تهران: دار الکتب الإسلامية.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۶۶-۱۳۵۳)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- منصورنژاد، محمد؛ «نقش زنان تحصیل کرده در تشکیل و تحکیم خانواده»، فصلنامه بانوان شیعه، شماره ۳، بهار ۸۴. به نقل از پژوهشکده باقرالعلوم {۱۱-۵-۹۱}
- <http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=definition&UID=38177>
- مهدوی، محمدصادق، «گفت و گو: مقایسه ماهیت طلاق در ایران و غرب»، مجله حوراء، شماره ۲۶، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مطالعات و تحقیقات زنان؛ <http://www.womenrc.ir/?action=horaw>
- موسوی، رقیه سادات، «گفتگو: تأثیر الگوهای جدید انتخاب همسر بر روند افزایش آسیب‌ها»، مجله حوراء، شماره ۲۹، پایگاه اطلاع رسانی دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- <http://www.womenrc.ir/?action=horaw>
- میرخانی، «بحران هویت خانواده، تعامل وحی، تقابل سنت و مدرنیته»، ندای صادق، شماره ۳۷ و ۳۸.
- نوابی نژاد، شکوه، «مصاحبه علمی: خانواده در جهان معاصر (۱)»، مجله حوراء، شماره ۳؛ پایگاه اطلاع رسانی دفتر مطالعات و تحقیقات زنان. <http://www.womenrc.ir/?action=horaw>
- نوری، محدث، میرزا حسین، (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، بیروت: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
- نیشابوری، فتال، (بی تا)، *روضه الواعظین و بصیره المتعظین*، قم: رضی.